

فیلترهای خبری



فیلترهای خبری

نویسنده: گان: ادوارد. اس. هرمن و توام چامسکی  
مترجم: ژا میرفخرایی  
انتشارات مؤسسه ایران، تهران، ۱۳۷۷

درباره‌ی عملکرد وسایل ارتباط جمعی در غرب بوده و نشان می‌دهد که این وسایل، در جهت به حرکت درآوردن پشتیبانی عمومی برای سیاست‌های غالب دولت و شرکت‌های خصوصی عظیم می‌باشد. فرضیه‌ی عمومی در جوامع "دموکراتیک" این است که وسایل ارتباط جمعی در غرب مستقلاً و به کشف و گزارش واقعیت خدمت می‌کنند.

محتوای این کتاب را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: در بخش نخست هرمن و چامسکی فیلترهای خبری را یک به یک توضیح می‌دهند و در بخش دوم مصادیق آن را به طور مستند و با توجه به آمار و ارقام بررسی می‌کنند. در هر حال مطالعه‌ی این کتاب سودمند به تمامی دست‌اندرکاران امور ارتباطی توصیه می‌شود.

به نظر می‌رسد جامعه‌ای که در مورد اساسی‌ترین اصول سیاسی- اجتماعی به توافق همه‌جانبه رسیده است؛ اما بسیاری معتقدند که این هم سویی عمدتاً ظاهری است، حال آنکه در باطن، تضادهای عمیق وجود دارد. چامسکی و هرمن معتقدند که آنچه باعث ایجاد این هم سویی و هم رأی در سطح جوامع غربی می‌شود، پروپاگاندا نظام‌مندی است که وسایل ارتباط جمعی غربی به پا داشته‌اند.

کتاب نامبرده، ترجمه‌ی خلاصه شده‌ی از کتاب "تولید رضایت" است که در آن پس از عرضه‌ی "مدل پروپاگاندا"، پوشش خبری وسایل ارتباط جمعی در ایالات متحده را به شکلی کاربردی با تکیه بر این مدل، تجزیه و تحلیل می‌کند. هرمن و چامسکی معتقدند که این کتاب نتیجه‌ی تحقیقات چندین ساله‌شان

بسیاری معتقدند که رسانه‌های غربی در بخش‌های خبری خود، تصویری متعادل از واقعیت ارائه می‌دهند. چنین پنداری، در حقیقت تصویری از خود رسانه‌های غربی است. چامسکی و هرمن در این کتاب نشان می‌دهند که این پندار و ذهنیت، تا چه اندازه دور از واقعیت است. آن دو از دیدگاه اقتصاد سیاسی به نقد و بررسی نقش وسایل ارتباط جمعی در ایجاد پیش‌زمینه‌های ذهنی اجتماعی پرداخته، مدلی را برای تجزیه و تحلیل این امر عرضه می‌کنند. این مدل که آن را "مدل پروپاگاندا" نامیده‌اند، نظریه‌هایی بحث‌انگیز بوده که ادعا می‌کند اخبار رسانه‌های غربی، مخصوصاً بخش خارجی این اخبار پروپاگاندايي همه‌جانبه، فعال، مؤثر ولی غیر مستقیم بوده که هدفش ایجاد نوهی هم سویی و هم رأی اجتماعی است. جامعه‌ی غربی در نظر او جامعه‌ای هم سو و هم رأی

جامعه‌شناسی رادیو و تلویزیون

نویسنده: ژان کازنو  
مترجم: جمشید ارجمند  
دفتر انتشارات رادیو تلویزیون ملی ایران (سروش)  
تهران: ۱۳۵۴ چاپ دوم

سفلد، روزه‌گلو، پیکرکوب و بخصوص ژان کازنو که مطالعه‌اش به دلیل تجربیات عملی او، ارزش ویژه‌ی دل‌آشنا در بین همه‌ی فنون تازه‌ای که کم و بیش رفتارهای اجتماعی انسان را تغییر شکل داده یا دگرگون کرده است کمتر موردی مانند فن بخش صدا و تصویر به وسيله‌ی امواج پیندا می‌شود که دارای معنایی چنین بزرگ باشد. در حقیقت این دو عامل مشارکت به مناسبت آنکه به شکلی خصوصی در زندگی افراد شرکت می‌کنند، در کانون‌های آنها نفوذ می‌یابند

سفلد، روزه‌گلو، پیکرکوب و بخصوص ژان کازنو که مطالعه‌اش به دلیل تجربیات عملی او، ارزش ویژه‌ی دل‌آشنا در بین همه‌ی فنون تازه‌ای که کم و بیش رفتارهای اجتماعی انسان را تغییر شکل داده یا دگرگون کرده است کمتر موردی مانند فن بخش صدا و تصویر به وسيله‌ی امواج پیندا می‌شود که دارای معنایی چنین بزرگ باشد. در حقیقت این دو عامل مشارکت به مناسبت آنکه به شکلی خصوصی در زندگی افراد شرکت می‌کنند، در کانون‌های آنها نفوذ می‌یابند

وسایل ارتباط جمعی و بخصوص رادیو و تلویزیون تأثیرات آشکار، سریع، مستقیم، متعدد و بسیار ناقد بر جامعه دارند. این تأثیرات، بر بنیادهای رفتارها، فرهنگ، سنت‌ها، عادات، روابط و مذهب اجتماع کارگر می‌افتد. چنین عمل وسیع و بزرگی شایسته‌ی آن است که مورد مطالعه قرار گیرد و جامعه‌شناسی ویژه‌ای برای آن به وجود آید. بسیاری از جامعه‌شناسان غربی تاکنون کمتر به این مهم همت گزیده و کوشش‌هایی به عمل آورده‌اند؛ از آن جمله‌اند: فریدمان، لازار

## خوانندگان محترم مجله

سلام

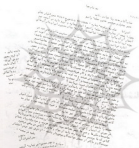
از روزی که با مجله رادیو به منظور برقراری ارتباط تنگاتنگ در روبه تحقیق و تولید به میان شما آمدیم، آنقدر مورد لطف و عنایت شما فرار گرفتیم که خستگی چند ماهه راه اندازی این مجله را به فراموشی سپردیم. اینک قصد آن داریم با زتاب نامه های برهمه و محبت و راه گشای شما را در اختیار دیگر مخاطبان مجله قرار دهیم. انتشار اولین شماره مجله رادیو جای خالی آن را در بین همکاران رادیویی بیشتر از قبل نمایان ساخت پس از انتشار اولین شماره، بسیاری از همکاران با نامه ها و تلقین های خود الطاف بی پایانشان را نشانمان کردند که این خود مؤید استقبال بیش از حد دوستان و همکاران رادیویی است. از جمله مواردی که اکثر دوستان متذکر شدند، اشتباه های تایپی و ویرایشی مجله بود که از این باب شرمندته دوستان شدیم که جهت رفع آن تمام تلاشمان را مصروف می داریم. اما در بونه نقد است که کارهای انسان مورد محک واقع می شوند و ما از خود شروع کرده ایم. در ذیل این سطور متن کامل دو نامه از از همکاران بزرگواری است که ما را مورد لطف خود قرار داده اند.

### مجله رادیو

پاسخگویی این نیاز شنوندگان باشد به مراتب موفق تر و مفیدتر از این خواهد بود که فقط برای همکاران و کارکنان رادیو تهیه شود، زیرا به صورت تخصصی اولاً کارکنان، بسیاری از مطالب آنرا می دانند و مجله حکم یک بولتن داخلی را پیدا می کند. ثانیاً آنچه برای اطلاع بسا آموزش کارکنان تهیه می شود یا باید به صورت کتاب باشد یا اگر استمرار داشته باشد به صورت هفتگی یا دو هفتگی در شکل همان بولتن منتشر شود که در آن بسیاری از مطالب دیگر هم که خاص کارکنان است از قبیل اخبار داخلی سازمان، انتصابات، تریبک و نسلیت، دعوت ها و غیره گنجانیده شود و نیاز به کسافذ خوب و چاپ رنگی و صفحه آرایی نیز ندارد.

اینجانب چون سالها مدیریست، سرریزی و سرپرستی مجلات، بولتن ها و چاپ کتاب های مختلف را در استخدام می دانم که چه قدر تهیه یک مجله خوب، پرزحمت و دشوار است و در صورتی که اعتبار کافی در اختیار نباشد تحصیل مقالات ارزنده، گزارش ها، رپورتاژها مصاحبه ها، عکس ها و غیره میسر نخواهد بود. علاوه بر هزینه و صرف وقت زیاد، تمام کسانی که با سرریز

شنوندگان رادیو نیز واقع می شود. آنها میل دارند بدانند هر برنامه چگونه تهیه می شود؟ نویسنده آن کیست و چه تحصیلات یا اطلاعات و تجاربی دارد؟ چه کسانی در تولید



راشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مجله رادیو

و بخش آن دخالت دارند و کنار هر یک چیست؟ صداهاتی که می شنوند از چه کسانی است و آنها دارای چه خصوصیات هستند و چه گونه به رادیو راه یافته اند؟ شرایط گوینده شدن یا هنر پیشه شدن چیست و اگر نسبت به برنامه ای نظری دارند به چه ترتیب می توانند آنرا به اطلاع مسئولان ذی ربط برسانند؟

لذا اگر مجله طوری تهیه شود که

به نام خدا  
جناب آقای محمد رضا جوادی یگانه  
مدیر مسئول و سرریز محترم مجله

رادیو

احتراماً عطف به مرقومه شماره

۹۷۰۰۵۹۸ ت ت مورخ ۷۹/۸/۲

ضمن اظهار تشکر، وصول ۶ نسخه از شماره اول مجله رادیو را اعلام می دارد و آرزو دارد در آینده نیز انتشار آن که سالها در مجموعه فعالیت های گسترده صدای جمهوری ایران جای آن خالی بوده است ادامه یابد.

اجازه فرمائید اینجانب که به علت صرف بیست سال از بهترین سالهای عمر خود در رادیو علاقه فراوانی به این وسیله بی نظیر ارتباط جمعی داشته ام و دارم آنچه در خصوص این شماره مجله به نظر می رسد به حضور سرکار عرضه دارم شاید سودمند باشد.

در وهله اول باید معلوم باشد مجله برای چه کسانی منتشر می شود و مخاطبانش چه اشخاصی هستند. ظاهراً با قید عبارت «مخاطبان علمی و تخصصی» در پشت جلد، مخاطبان مجله، همکاران رادیویی و سایر کسانی هستند که در این زمینه آگاهی یا علاقه و تخصص دارند. ولی بدیهی است آنچه بوسیله سازمان رادیو منتشر می شود معمولاً مورد علاقه گسروه کسری از

مربوط به وضع کنونی رادیو، مسئولان از محدودیت امکانات و شرایط موجود شکیات کرده‌اند، فقط مسئولان شبکه استانی فارس-دنبی از شیراز به کارهای خود تعریف و تحسین کرده‌اند. سایر مطالب مجله هم هر یک در حد خود دارای ارزشی است.

امیدوارم عریضی من خدمتی در جهت بهبود کیفیت شماره‌های آینده مجله باشد و ممنون خواهم شد اگر دستور فرمائید از هر شماره چند نسخه همراه با قبض اشتراک آن برای من ارسال گردد.

فصلاً تمنا دارم اگر دنباله مصاحبه «نه سال فراموش نشدنی» در شماره آینده چاپ می‌شود دستور فرمائید نمونه حروف چینی شده آن جهت ملاحظه و تصحیح به نشانی من فرستاده شود.

با تجدید مراتب احترام  
دکتر معین افشار

و مترجم با وجود تسلط به زبان بیگانه به زبان فارسی در آن حد تسلط نداشته است که خواننده‌ها جملاتی احساس بیگانگی نکنند. بازی قسمتی از مشکلات فوق در نخستین شماره مجله شما به نظر می‌رسد من در حدی که جای خالی صفحات اجزاء می‌داد این شماره را تصحیح کردم و امیدوارم برای شما مفید باشد.

به نظر من مقالات جالب این شماره «گفتاری در مابین رادیو» و «موسیقی در رادیو» که باید دنباله‌دار باشد و این مطلب در پایان مقاله نیز ذکر شود و مخصوصاً وضع فعلی موسیقی رادیو تشریح شود و نظریات خوانندگان نیز منعکس گردد و «دستورالعمل برنامه سازی در رادیو و تلویزیون درباره خشنودی» است.

مصاحبه «زایچه دید متغیره» اطلاعات کافی به خواننده نمی‌دهد. سهم گوش دادن به رادیو در اوقات فراغت، غنی نیست و اطلاعات مؤثر و زیادی به خواننده نمی‌دهد. در همه مصاحبه‌های

همکاری دارند باید از سواد و دانش آگاهی در سطحی در حدود نویسندگان و بالاتر از بیشتر خوانندگان برخوردار باشند. از طرفی نیز مردم انتظار دارند نشریه یک سازمان بزرگ و پرتوان با سایر نشریات قدرت رقابت داشته باشد.

اگر مجله رادیو برای هر گروهی که منتشر می‌شود اقتناع کننده نباشد همان گروه به سوی مجلات دیگر که در حال حاضر نسبتاً در هر زمینه‌ای کم و بیش وجود دارد روی می‌آورند.

نکته دیگر ویراستاری نشریه است که کاری بی دقیق و تخصصی است و با کمال تأسف در کشور ما هر چه چاپ می‌شود بدون غلط نیست. غلطهای چاپی ناشی از بی دقتی حروف چین یا ماشین نویسی، غلط‌های املائی مربوط به نویسنده یا مترجم و غلط‌های دستوری و اثنای که همه برای ویراستار و سردبیر مشکل ایجاد می‌کند در نشریات فراوان است. از همه بدتر ترجمه‌هایی است که به زبان متعارف فارسی نیست و بوی ترجمه می‌دهد.



که به سبب خالی از فایده نیست یادآوری می‌کنم که قطعاً عناین پدافها از نگاه‌تیزبین شما پنهان نخواهد ماند.

الف) آنچه در نگاه اول به چشم می‌آید فاصله‌ای است که مجله با آنچه از آغاز مورد نظر بوده، پیدا کرده و یا می‌کند، خصوصاً اگر این نگاه قطری/بزرگ صفت دوم مجله و فهرست آسمی عمدتاً ناآشنای آن با مخاطب متمرکز گردد. تا جایی که به خاطر داریم هدف ما از انتشار مجله رادیو، صرفاً انتشار یک مجله با محتوایی آموزشی نبوده که در اینصورت کاری تکراری و بی‌ثمر تلقی خواهد شد.

جناب آقای جوادی  
مدیر کل محترم تحقیق و توسعه  
صدا

سلام علیکم  
حاصل زحمات جنابعالی و دوستان در ارائه مجله رادیو حاصل گردید. قطعاً نظرات کارشناسانه شما و اصحاب مجله از «تجربه دوم» (عنوان سرمقاله) تجربی‌های کارساز و مؤثر خواهد ساخت که اتمام... هم نقائص و ضعفهای تجربه اول را خواهد زدود و هم راهکارهای مؤثر و نوید بخشی را به تجربه (رسانه‌ای) در رسانه/پیوند خواهد زد.

علیهذا، نظر به سابقه‌ای که از شکل‌گیری این نشریه در ذهن بنده بجا مانده، از باب تجدید پیمان با رادیو و دلمشغولی‌های قدیم نکاتی را

برای گفتن نداشت و آیا پشت این کهنگی‌ها و آن نم کشیدنها



آن فقرسوری، پیاد و یادگارهایی از انسانهای بزرگ، ماجراهای عبرت‌آموز خاطرات و تلخ و شیرین و میراث‌های ارزشمندی که در همان اتاقهای تنگ تاریک و همان حیاط و ساختمان قدیمی، حادث شده، شایسته پیادآوری نبوده؟ قطعاً شما پاسخی در خور دارید اما نگاهی دوباره به چهره نوجوان گزارشگر مجله‌ از مشکلی جسدی تریبسی غیر رادیویی بودن نسیم اداره کننده مجله رادیو سخن می‌گوید که البته به فضل الهی، تدبیر و فراست جنابعالی چون همیشه مؤثر خواهد افتاد و انشاء... مواضع کار یکی پس از دیگری حل و فصل خواهد گردید.

با تشکر  
محمد رضانی  
مشاور معاون نسیم و مدیر کل پژوهشها

یادی از گذشته‌های کودک و نوجوان در این شماره چاپ شد تا مخاطب بداند که دست دست‌انگاران مجله چندان هم دور از آتش رادیو نبوده است!

اما همه تردیدهایی ما اگر خیلی هم بیجا نباشد یا در پناه مقالات و ترجمه‌ها و وجه آموزشی مجله پنهان‌مانده، گزارش «موزه‌ای به نام ارک» به شکلی واضح و روشن از همین فاصله‌ها سخن می‌گوید. تنها نه چهره گزارشگر مجله، بلکه متن مقاله آشکارا می‌گوید چه چیزهایی از میثاقه غایبند. به



زعم بنده‌نمائی که از دیدگاه گزارشگر ارک، آن هم با عنوان «موزه» ارائه می‌شود اگر در ذهن بسنده و شما بعنوان همکاران نسبتاً تازه‌رادیو توانی ایجاد نکند، لایحه در ذهن همکاران قدیمی رادیو این پرسش را برمی‌انگیزد که آیا ارک با همه ماجراها و خاطرات و تاریخش تنها در کهنگی ساختمان و صدای چیلر و بوی ... خلاصه می‌شود؟ آیا نخستین شماره از مجله‌ای که به تعبیر شما تجربه دوم و بنه زعم ما تجربه اول است حرف‌های دیگری از ارک و یادگارهای ذی قیمتش

قرار بود این نشریه پلی میان تحقیق و تولید ایجاد کند، تشکلی از همکاران دردمند و کارگران فراهم آورده‌زینست‌ساز فرصت و امکان بازگویی حرف‌هایی شود که جای دیگری امکان طرحش نبوده و نیست و با مثلاً ستون‌آزادی باشد که مجله محوریت و مدیریت و خلق شرایط آن را به دوش دارد. بنده متکرر بار آموزشی مجله‌نیستم که بخود خود ارزشمند است و قابل تحسین و قطعاً اگر کسی مجله را از خود بداند و آن را باز کند و بخواند می‌تواند بهره‌ها ببرد، اما نکته در همین باز کردن، از خود دانستن و در کشوی میز پایگانی نکردن است که صد البته کار سهل و ساده‌ای هم نیست و لوازم خود را می‌طلبید که اگر چه ممکن است این معنا در شماره‌های نخست چندان چشمگیر نباشد، اما پیش بینی بنده این است که کار هرچه جلوتر برود فقدان پایه‌های آن پلی که به جستجوی بودیم، بیشتر نمایان می‌شود. در شماره نخست، ۲ ترجمه باتمام یک مترجم به چاپ رسیده است و نیز پژوهش‌هایی از



دوستانی ناآشنا برای اهل رادیو که احتمالاً تعدادشان در شماره‌های بعد بالا و بالاتر خواهد رفت و چه خوب که مصاحبه آقای میرکیانی با